

مسئولیت بین‌المللی ناشی از فعالیت‌های ارتش‌های خصوصی

ریحانه دروگری، دکتر پیمان حکیم زاده خوئی

ظهور و حضور ارتش‌های خصوصی در عرصه مخاصمات مسلحانه باعث گردید که دولت‌ها دیگر تنها بازیگران نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد نباشند. امروزه مخاصمات مسلحانه چه بین‌المللی و چه غیربین‌المللی بیشتر جولانگاه ارتش‌های خصوصی است تا ارتش‌ها و سربازان دولتی. گسترش فعالیت‌های این ارتش‌ها و توسعه خدمات ارائه شده توسط آنان اعم از مشارکت مستقیم و غیرمستقیم سبب نگرانی جامعه بین‌المللی از تبعات چنین حضور و فعالیتی شده است. چالش‌های حقوقی مهمی در زمینه ماهیت و وضعیت حقوقی و به ویژه مسئولیت ارتش‌های خصوصی وجود دارد؛ چراکه مطابق قواعد حقوق بشردوستانه هر فردی که به هر علتی در مخاصمات مسلحانه شرکت کند، در صورت عدم رعایت قواعد و اصول حاکم بر مخاصمات دارای مسئولیت خواهد بود. احراز زمینه‌های ایجاد مسئولیت بین‌المللی اعم از مسئولیت دولت و مسئولیت کیفری اعضای ارتش‌های خصوصی مطابق اسناد بین‌المللی برای ایجاد چارچوب حقوقی منسجم برای این امر ضروری است. دولت‌هایی که بنحوی با ارتش‌های خصوصی مرتبط می‌باشند در قبال اقدامات این ارتش‌ها، براساس تعهدات ناشی از قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در صورت نقض این تعهدات دولت مسئولیت خواهد داشت. درکنار این بُعد از مسئولیت، نقض قواعد حقوق بشردوستانه مطابق مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو می‌تواند مسئولیت کیفری نیز برای اعضای ارتش‌های خصوصی به دنبال داشته باشد. حال با توجه به پذیرش حضور این ارتش‌ها در مخاصمات مسلحانه این سوالات مطرح می‌شود که ماهیت حقوقی ارتش‌های خصوصی چیست؟ ارتش‌های خصوصی در قبال اقدامات و فعالیت‌های خود چه مسئولیت‌هایی برعهده دارند؟ ضمانت اجرای نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط ارتش‌های خصوصی چیست؟

کلید واژگان: مسئولیت بین‌المللی، ارتش‌های خصوصی، مخاصمات مسلحانه، حقوق

بشردوستانه، مسئولیت کیفری، مسئولیت دولت

مسئولیت بین‌المللی ناشی از فعالیت‌های ارتش‌های خصوصی

ریحانه دروگری *

دکتر پیمان حکیم زاده خوئی **

دیباچه

پایان جنگ سرد و شعله‌ور شدن آتش جنگ‌های متعدد در عصر حاضر، جهان را با مسائل جدیدی در عرصه مخاصمات مسلحانه روبرو ساخته است که از آن جمله، ظهور ارتش‌های خصوصی و حضور آنها در صحنه مخاصمات مسلحانه است. امروزه دولت‌ها صرفاً عامل اصلی در عرصه مخاصمات مسلحانه به‌شمار نمی‌آیند؛ بلکه ارتش‌های خصوصی در قالب شرکت‌های نظامی - امنیتی خصوصی عهده‌دار انجام این فعالیت‌ها می‌باشند. ارتش‌های خصوصی سازمان‌های تجاری هستند که در باب اهداف نظامی و جنگی خدمات ویژه‌ای را ارائه می‌دهند. پشتیبانی لجستیک، عملیات تهاجمی تاکتیکی، برنامه‌ریزی

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز،

ایران reihanehderowgari@yahoo.com

** استادیار و عضو هیات علمی گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران

p_hakimzade@yahoo.com (نویسنده مسئول)

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال پانزدهم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۰۶ - ۶۹

استراتژیکی، جمع‌آوری و تجزیه تحلیل اطلاعات مخفی، پشتیبانی عملیاتی، درگیری و دفاع در مناطق جنگی و آموزش مهارت‌های نظامی از جمله اقدامات این ارتش‌ها می‌باشد. افزایش و حضور فعال این ارتش‌ها، جامعه بین‌المللی را با چالش‌های گوناگونی مواجه ساخته است که یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه مسائل حقوقی و نظارتی نسبت به فعالیت‌های این ارتش‌ها می‌باشد.

امروزه جامعه جهانی به جای "خصوصی‌سازی صلح" به "خصوصی‌سازی جنگ" روی آورده است. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان نظامی و امنیتی، جنگ عراق یکی از نمونه‌های بارز در خصوص "خصوصی‌سازی جنگ" است، به طوری که نشریه اکونومیست در مقاله خود این جنگ را جنگ اول خصوصی نامیده است.^۸

تشکیل ارتش‌های خصوصی و روند جهانی خصوصی‌سازی جنگ از اوایل دهه ۹۰ آغاز شده است به طوری که در دو دهه گذشته شاهد رشد سریع و تقویت فعالیت‌های نظامی خصوصی در جهان هستیم. امروزه ده‌ها هزار نفر از پیمانکاران در قالب ارتش‌های خصوصی و شرکت‌های امنیتی با ارائه طیف گسترده‌ای از خدمات به دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی در سراسر جهان فعالیت می‌کنند.^۹

یک فرضیه عمومی گسترده در مورد مخاصمات مسلحانه وجود دارد مبنی بر اینکه مسئولیت نظامی در مالکیت انحصاری دولت قرار دارد که امروزه با حضور ارتش‌های خصوصی این فرضیه دستخوش تحول گسترده شده است. در اوایل دهه ۹۰ میلادی، پایان جنگ سرد تغییرات اساسی را در رابطه میان دولت - ملت به سمت شکل‌گیری ارتش‌های خصوصی ایجاد کرد. سه عامل اصلی باعث رشد ارتش‌های خصوصی گردید:

۱. کاهش وسیعی از نیروهای نظامی پس از جنگ سرد که نیروهای نظامی آموزش دیده

^۸Privatizing Peace

^۹Privatization of War

^۸ Economist, 2011, Conflict Mediation Privatizing Peace, Available at: <http://www.economist.com/node/18895458> , Accessed:20/10/2016

^۹Tonkin, H, 2011, State Control over Private Military and Security Companies in Armed Conflict, New York: Cambridge University Press, p1

مازاد بدون شغل را ایجاد کرد.

۲. تغییر سیاست به سمت خصوصی سازی خدمات دولت

۳. افزایش درگیری‌های منطقه‌ای^{۱۰}

شرکت‌های نظامی خصوصی یکی از جدیدترین بازیگران غیردولتی در عرصه بین‌المللی هستند که در سراسر جهان در موقعیت‌های مختلف نظامی فعالیت می‌کنند اما نقش و مسئولیت آنها در حقوق بین‌الملل ناشناخته است. نگرانی خاص در این زمینه کاهش کنترل دولت بر فعالیت‌های نظامی و امنیتی و همچنین فقدان مکانیسم پاسخگویی مناسب و کافی برای سوءرفتار این ارتش‌ها است.

متعاقب پررنگ شدن حضور چنین ارتش‌هایی در صحنه مخاصمات مسلحانه، شاهد نقض قواعد حقوق بشری و حقوق بشردوستانه هستیم از این رو تعیین وضعیت حقوقی این ارتش‌ها و افراد مطابق قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل و به دنبال آن تعریف و تعیین دقیق حدود مسئولیت آنها بسیار ضروری است؛ چراکه در عرصه حقوق بین‌المللی بشردوستانه فعالیت ارتش‌های خصوصی چالش‌های مختلفی را ایجاد کرده است. نقش و حقوق و تکالیف این بازیگران غیردولتی حاضر در صحنه مخاصمات بایستی در راستای تعیین مسئولیت آنها به درستی مورد شناسایی قرار گیرد.

برای طرح مسئولیت بین‌المللی ارتش‌های خصوصی بایستی وضعیت این ارتش‌ها، از معیارها و جهات مختلف مورد بررسی قرار گیرد. قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه براساس نوع اقدامات و فعالیت‌ها، این افراد را در گروه‌های مختلف مانند نیروی نظامی، غیرنظامیان، مزدوران، چریک‌ها و... طبقه‌بندی می‌نماید و به این ترتیب مسئولیت آنها در صورت نقض قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه مشخص می‌گردد.^{۱۱}

مسئولیت بین‌المللی ناشی از فعالیت‌های ارتش‌های خصوصی در دو بعد قابل طرح است:

۱. از بعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

۲. از بعد مسئولیت کیفری ارتش‌های خصوصی

۱۰ Sheehy, Bt & Maogoto, Ja and Newell, V, 2009, Legal Control of the Private Military Corporation, London: Palgrave Macmillan pub, p 13

۱۱. ضیائی بیگدلی، م، ۱۳۹۲، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول، صص ۹۶-۹۷

«مسئولیت بین‌المللی، معمولاً به دولت به عنوان مهم‌ترین بازیگر عرصه حقوق بین‌الملل مربوط می‌گردد. هر چند نمی‌توان آن را از دیگر اشخاص حقوق بین‌الملل یعنی سازمان-های بین‌المللی و در بعضی موارد افراد مطلقاً جدا نمود. مسئولیت دولت نیز دو مبنای کاملاً متفاوت دارد:

۱. مسئولیت به خاطر نقض تعهدات بین‌المللی (مسئولیت مبتنی بر خطا)
 ۲. مسئولیت به خاطر زیان‌های ناشی از اعمالی که در حقوق بین‌الملل منع نشده‌اند (مسئولیت مبتنی بر خطر).^{۱۲}
- هر عمل متخلفانه بین‌المللی دولت مستلزم مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌باشد. هنگامی دولتی مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی قلمداد می‌شود که رفتار متضمن فعل یا ترک فعل ذیربط:

۱. طبق حقوق بین‌الملل به آن دولت منتسب شود
 ۲. به منزله نقض تعهد بین‌المللی آن دولت باشد.
- « دولت صرفاً زمانی در قبال یک عهد بین‌المللی الزام‌آور مسئول خواهد بود که در زمان عمل یا اغفال از عمل به این تعهد بین‌المللی، متعهد شده باشد. لذا تعهداتی که هنوز لازم-الاجرا نشده‌اند دارای آثار حقوقی نخواهند بود.»^{۱۳}
- مطابق ماده ۸ پیش نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت و همچنین رویه دیوان بین‌المللی دادگستری رفتار اشخاص خصوصی به دولت عموماً در چارچوب ضابطه کنترل، قابلیت انتساب را دارد.
- ماده ۸ مقرر می‌دارد: رفتار شخص یا گروهی از اشخاص به موجب حقوق بین‌الملل فعل دولت تلقی می‌شود در صورتیکه شخص یا اشخاص مزبور در انجام رفتار مزبور در واقع به دستور تحت هدایت یا کنترل دولت عمل کنند. آنچه که ضروری است مورد بررسی قرار گیرد، چگونگی انتساب اعمال این ارتش‌های خصوصی به دولت‌ها است؛ چرا

۱۲. مستقیمی، ب؛ طارم سری، م، ۱۳۷۷، مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، تهران:

انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ص ۱۱

۱۳. دیکسون، م، ۱۳۹۶، درآمدی بر حقوق بین‌الملل، ترجمه: مهدی ذاکریان و حسن سعید کلاهی، تهران: انتشارات

خرسندی، ص ۳۶۰

که در این حالت می‌توان از سه گروه از دولت‌ها نام برد:

۱. دولت متبوع افراد،
۲. دولت محل فعالیت این ارتش‌های خصوصی و
۳. دولتی که از خدمات آنها برخوردار می‌شود. علاوه بر مسئولیت دولت بایستی از مسئولیت فردی نیز نام برد.

زمینه فعالیت ارتش‌های خصوصی مشابه نهاد نظامی است. از این رو بایستی بتوان مسئولیت عواقب ناشی از نقض قواعد حقوق بشردوستانه را متوجه این افراد نمود اما نکته مهم چگونگی احراز مسئولیت کیفری این ارتش‌های خصوصی براساس قواعد حقوق بین-المللی بشردوستانه است.

توسعه‌های اخیر حقوق بین‌الملل کیفری گامی فراتر به سوی مسئول قلمداد کردن هر فردی صرف نظر از وضعیت خود برای نقض جدی حقوق بشری و حقوق بین‌المللی بشردوستانه برافراشته است.^{۱۴}

از آنجا که جرایم در قلمرو حقوق بین‌الملل توسط افراد و نه موجودیت‌های انتزاعی ارتکاب می‌یابد، صرفاً با مجازات افرادی که مرتکب چنین جنایاتی شده‌اند مقررات حقوق بین‌الملل قابل اجرا است.^{۱۵}

«با توجه به اعتبار عرفی و قراردادی مسئولیت کیفری در چارچوب حقوق بین‌الملل عام و همچنین حقوق بین‌الملل خاص از جمله حقوق بشردوستانه بین‌المللی که هر فردی که به هر علت در مخاصمات مسلحانه شرکت دارد بدون توجه به مقام و منصب، در صورت عدم رعایت اصول و قواعد حاکم بر مخاصمات دارای مسئولیت است، مسئولیت کیفری فردی قابل شناسایی و مشمول توجهی جدی است».^{۱۶}

^{۱۴}Kalidhass, P. R. , 2014, Determining the Status of Private Military Companies under International Law: A Quest to Solve Accountability Issues in Armed Conflicts” Amsterdam Law Forum, VOL 6:2, p18

^{۱۵}International Military Tribunal (Nuremberg),1946, At 447, part 22, Availability at: https://crimeofaggression.info/documents/6/1946_Nuremberg_Judgement.pdf Accessed: ۱۲/۰۵/۲۰۱۷

^{۱۶}. زمانی، ق، ۱۳۹۵، واگرایی و همگرایی «مسئولیت کیفری فردی» و «مسئولیت بین‌المللی دولت»: تأملی در اوراق پرونده جنگ شیمیایی عراق علیه ایران، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۴

موضوع این پژوهش یکی از موضوعات مهم و اساسی در زمینه مسئولیت ارتش‌های خصوصی است که نیاز به مطالعه گسترده‌ای دارد. تجربه حضور ارتش‌های خصوصی در طی جنگ عراق و افغانستان نشان داد که خلاءهای فراوانی در این خصوص در حقوق بین‌الملل وجود دارد که نیازمند ایجاد چارچوب حقوقی منسجمی است. از جمله: جایگاه و ماهیت حقوقی ارتش‌های خصوصی، تعهدات دولت‌ها، مسئولیت بین‌المللی، مسئولیت کیفری فردی که اثبات این مسئولیت براساس قواعد موجود همچون مفاد پیش‌نویس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، قواعد حقوق بشردوستانه (از جمله کنوانسیون‌های لاهه و چهارگانه ژنو)، اسناد حقوق بشری و سند مونترو در زمینه تعهدات حقوقی بین‌المللی و رویه‌های مناسب دولت‌های مرتبط با عملیات شرکت‌های نظامی - امنیتی خصوصی در طول مداخله مسلحانه^۷ و مجموعه قوانین رفتاری شرکت‌های خصوصی امنیتی،^۸ امری است که نیاز به بررسی دقیق دارد.

امروزه فعالیت ارتش‌های خصوصی خوانش‌های متفاوتی از حقوق بین‌المللی بشردوستانه را به وجود آورده است اما آنچه مهم است تضمین رعایت این قواعد توسط چنین نیروهایی است. چگونگی حضور ارتش‌های خصوصی در مداخلات مسلحانه، آثار این حضور و ابعاد مختلف آثار نقض قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل و به ویژه مساله مسئولیت و قابلیت انتساب این مسئولیت^۹ از جمله جنبه‌های مبهمی است که نیازمند بررسی دقیق و گسترده است.

^۷Montreux Document on Pertinent International Legal Obligations and Good Practices for States related to Operations of Private Military and Security Companies during Armed Conflict: Montreux 17 September 2008.

^۸The International Code of Conduct for Private Security Service Providers (ICoC), Geneva, 9 November, 2010

^۹ صدیق، م؛ موسوی، س؛ ۱۳۹۵، مسئولیت سازمان ملل متحد برای فعل‌های مغایر با موازین بین‌المللی (بررسی تفصیلی گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل در خصوص جنگ غزه)، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، دوره ۱۲، شماره ۴ (۴۸)، بهار، صص ۱۱۵.

۱. تعریف ارتش‌های خصوصی

طبق بند الف پاراگراف ۹ سند مونترو:^{۲۳} «ارتش‌های خصوصی فارغ از آنچه که خود را توصیف می‌کنند، نهادهای تجاری خصوصی هستند که خدمات نظامی و امنیتی ارائه می‌دهند. خدمات نظامی - امنیتی شامل مراقبت مسلحانه و حفاظت از اشخاص و اماکن از قبیل کاروان‌ها، ساختمان‌ها و آموزش نیروهای محلی و پرسنل امنیتی است.» تعریف ارائه شده توسط مونترو در حقیقت بر فعالیت‌ها و ساختار این ارتش‌ها توجه دارد.

مجموعه کد رفتاری شرکت‌های خصوصی نظامی و امنیتی، ارتش‌های خصوصی را به این نحو تعریف می‌کند: «شرکت خصوصی نظامی و امنیتی، صرف نظر از عنوانی که خود قائل به آن هستند، هر شرکتی است که تجارت اصلی آن ارائه خدمات نظامی و امنیتی است چه این خدمات را از جانب خود یا از جانب موکل خود انجام دهد.»^{۲۴}

سند مونترو همچنین در تعریف اعضای ارتش‌های خصوصی آورده است: «اعضای ارتش‌های خصوصی اشخاصی هستند که شرکت از طریق قرارداد یا به طور مستقیم آنها را به استخدام خود در می‌آورد و شامل مدیران، کارکنان، افسران مافوق و مقامات پایین‌تر می‌شود.»^{۲۵}

۲. گستره فعالیت‌های ارتش‌های خصوصی

برخی از مفسران، حوزه امنیت خصوصی را به دو بخش تقسیم می‌کنند:^{۲۴}

۱. شرکت‌های نظامی خصوصی^{۲۵}

^{۲۳}(Montreux Document 2008)

^{۲۴}International Code of Conduct for Private Security Service Providers, Geneva, 9 November 2010

^{۲۵}International Code of Conduct for Private Security Service Providers, Geneva, 9 November 2010, 153

^{۲۶}THE MONTREUX DOCUMENT On pertinent international legal obligations and good practices for States related to operations of private military and security companies during armed conflict, 2008, supra note 101, part 9(b)

^{۲۷}Percy, S, 2007, Regulating the Private Security Industry Mercenaries: The History of a Norm in International Relations, Oxford: Oxford University Press, p 206

^{۲۸}Private Military Company (PMC)

۲. شرکت‌های امنیتی خصوصی^۱

اما با این حال این تقسیم‌بندی نیز با مشکل مواجه است؛ چرا که تعریف واضحی از هر دو گروه ارائه نمی‌کند و مرز میان آن‌ها مشخص نمی‌باشد؛ چرا که هر دو گروه می‌توانند طبق قراردادهای مختلف طیف وسیعی از خدمات را ارائه دهند. برای مثال DynCorp^۲ و Aegis^۳ خدمات امنیتی محافظتی در افغانستان و خدمات مشاوره نظامی را در لیبیا بر عهده دارند.^۴

چالش دیگر در خصوص این تقسیم‌بندی این است که در درگیری‌های دارای شدت کم که دارای خط مقدم مشخصی نمی‌باشد (مانند عراق و کلمبیا) تفاوت بین بازیگران نظامی و امنیتی بسیار دشوار است. نیروهای امنیتی که صرفاً خدمات مربوط به امنیت را ارائه می‌دهند می‌توانند تاثیر و نقش قابل توجهی در درگیری‌های محلی داشته باشند و همچنین در معرض تهدید جدی قرار بگیرند.

۳. خدمات ارتش‌های خصوصی

ارتش‌های خصوصی فعالیت‌های گوناگونی را در زمینه مخاصمات مسلحانه انجام می‌دهند از جمله برخی از آن‌ها به عنوان تابعان نظامی اصلی مورد توجه قرار گرفته‌اند. سینگر^۵ برای تفکیک میان خدمات ارتش‌های خصوصی، از یک قیاس نظامی مشترک،

۱. Private Security Company (PSCs)

۲. شرکت ارائه دهنده سرویس جهانی آمریکا است که به ارائه خدمات پشتیبانی، آموزش و مشاوره، توسعه بین‌المللی، آموزش و پشتیبانی اطلاعات، عملیات احتمالی، امنیت، و عملیات و نگهداری می‌پردازد همچنین خدمات امنیتی را برای ریاست جمهوری افغانستان تأمین کرده و بسیاری از نیروهای پلیس افغانستان و عراق را نیز تربیت نموده است.

۳. یک شرکت تحقیقاتی و امنیتی است که از سال ۲۰۰۷ فعالیت خود را در زمینه‌های امنیتی، آموزش و مشاوره و امور محافظتی و امنیتی آغاز کرده و در دو سطح ملی و بین‌المللی اقدام به ارائه خدمات نظامی و امنیتی می‌نماید.

۴. O'Brien, K, 2007, 'What Should and What Should Not Be Regulated?', in S. Chesterman and C. Lehnardt (eds.), *From Mercenaries to Market: The Rise and Regulation of Private Military Companies* Oxford: Oxford University Press, pp38-39

۵. Singer

براساس نزدیک بودن به صحنه مخاصمات یا به عبارتی نوک حمله استفاده می‌کند.^۱ اعضای ارتش‌های خصوصی به ارائه آموزش‌های نظامی و امنیتی در سطح بالا می‌پردازند که ممکن است از لحاظ عملکرد نزدیک به صحنه مخاصمات تلقی شوند، هرچند به صورت فیزیکی در درگیری‌ها حاضر نباشند. این به ویژه در مواردی است که این افراد اقدام به مشاوره و آموزش در رابطه با جنبه‌های خاص یک درگیری مداوم می‌نمایند. در مقابل مواردی مانند رساندن مواد غذایی به سربازان توسط ارتش‌های خصوصی منجر به حضور فعال و درگیری در صحنه مخاصمات شده و می‌توانند در معرض تهدیدات نیز قرار بگیرند. این مقایسه کمک می‌کند تا فعالیت‌های ارتش‌های خصوصی در مخاصمات مسلحانه به چهار دسته تقسیم شود:

- ✓ مبارزه تهاجمی (شرکت مستقیم در مخاصمات)
- ✓ خدمات آموزش‌های نظامی و امنیتی
- ✓ خدمات امنیت مسلحانه
- ✓ پشتیبانی نظامی

۴. ماهیت حقوقی ارتش‌های خصوصی

مطابق کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی و کنوانسیون‌های لاهه، سه طبقه مشخص شده از افراد: ۱- رزمندگان ۲- مزدوران ۳- غیرنظامیان، به عنوان موضوع حقوق بشردوستانه بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند و در صورت نقض قواعد، مسئول قلمداد می‌گردند. قواعد و اصول حقوق بشردوستانه، ارتش‌های خصوصی را به عنوان یک گروه متمایز و مستقل مورد شناسایی قرار نداده است. تعیین حقوق و تکالیف برای ارتش‌های خصوصی در گروه تعیین ماهیت حقوقی این ارتش‌ها است. تا زمانی که نتوان وضعیت آن‌ها را به درستی مشخص نمود، نمی‌توان مسئولیتی را نیز متصور گردید. حقوق بین‌الملل بشردوستانه در خصوص افراد شرکت‌کننده در مخاصمات مسلحانه قائل به تفکیک میان رزمندگان و غیرنظامیان بوده و این وضعیت در حقیقت تعیین‌کننده پیامدهای حقوقی

^۱ Singer, P, 2003, Corporate Warriors: The Rise of the Privatized Military Industry, Cornell University Press, p91

۱-۴ ارتش‌های خصوصی به عنوان رزمندگان

هیچ‌یک از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی، تعریف روشنی از رزمنده را ارائه نمی‌دهند و صرفاً به احصاء افرادی که می‌توانند به عنوان رزمنده شناخته شوند، می‌پردازند.

بعد از کد لیبر^۲ که اولین سند در زمینه تعریف رزمنده به شمار می‌رود، کنوانسیون ۱۹۰۷ چهارم لاهه اقدام به احصای رزمندگان نموده است. مطابق این کنوانسیون رزمندگان اعضای نیروهای مسلح منظم^۳ و نامنظم^۴ و همچنین نهضت‌های مقاومت می‌باشند.^۵ مطابق بند ۲ ماده ۴۳ پروتکل اول الحاقی: «نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه مرکب از کلیه نیروهای مسلح سازمان‌یافته، گروه‌ها و واحدهایی است که، تحت نظر فرماندهی قرار دارند که در قبال اعمال زیردستان خود در برابر آن طرف مسئول هستند. حتی اگر حکومت یا مقامی نماینده آن طرف باشد، که از سوی طرف دیگر مخاصمه به رسمیت شناخته نشده باشد. چنین نیروهای مسلحی باید تابع یک نظام انضباطی داخلی باشند که از جمله باید رعایت قواعد حقوق بین‌المللی قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه را به اجرا بگذارند.» طبق تفسیر پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، یک فرد غیرنظامی که به عضویت یک سازمان مسلح درآمده، برای تمام طول مخاصمات (مگر اینکه به هر دلیلی توسط فرمانده از گروه خارج شود) عضو نیروهای مسلح بوده و رزمنده تلقی خواهد شد.

۱. ایپسن، ن، ۱۳۸۷، رزمندگان و غیررزمندگان، ترجمه کتابیون حسین نژاد، کتاب حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ص ۱۰۱

۲. The Lieber Code of April 24, 1863

۳. رزمندگان منظم اتباع نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه بوده و وابستگی آنها کاملاً مشخص است.

۴. رزمندگان نامنظم شامل چریک‌ها، پارتیزان‌ها و به طور کلی دسته‌های دواطلبی است که در قیام همگانی علیه دشمن شرکت می‌کند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲، ص ۸۶)

۵. عبدالهی، م، ۱۳۸۸، تروریسم حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ اول، صص ۳۰۶-۳۰۷

صرف نظر از اینکه در جنگ حضور دارد و یا در حال حاضر مسلح است یا نه^۱؟ در مورد ارتش‌های خصوصی و اینکه اعضای این ارتش‌ها جزو رزمندگان محسوب می‌شوند یا نه، باید به رابطه میان ارتش‌های خصوصی و نیروهای مسلح دولتی توجه کرد. بند ۳ ماده ۴۳ پروتکل اول الحاقی اعلام می‌دارد: «که هرگاه یکی از طرف‌های مخاصمه، نیروهای شبه نظامی یا نیروهای مسلح مجری قانون را به نیروهای مسلح خود منضم کنند، باید مراتب را به طرف دیگر مخاصمه اطلاع دهد.» بنابراین اولین نکته حائز اهمیت این است که باید بپذیریم، ارتش‌های خصوصی به خودی خود عضو نیروهای مسلح نیستند. اگر ارتش‌های خصوصی به نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه منضم گردند در این صورت این ارتش‌ها به صورت دوزوره (رسمی) عنوان رزمنده را بدست خواهند آورد. در صورت اسارت در حین مخاصمات مسلحانه بدون در نظر گرفتن مشارکت مستقیم آن‌ها در جنگ، به عنوان اسیر جنگی شناخته خواهند شد و از حقوق یک اسیر جنگی برخوردار می‌گردند. الحاق در صورتی رسمی تلقی خواهد شد که این انضمام به طرف دیگر مخاصمه اطلاع داده شود.

دوسوالد بک معتقد است اکثر ارتش‌های خصوصی در ارتباط واقعی با دولت‌هایی که آن‌ها را استخدام می‌کنند هستند و در حقیقت به الحاق غیررسمی اشاره دارد.^۲

۲-۴ ارتش‌های خصوصی به عنوان مزدوران^۳

مطابق مقررات کنوانسیون ۱۹۸۹ ملل متحد با عنوان منع استخدام، به‌کارگیری و تامین

^۱ICRC, 2008, THE MONTREUX DOCUMENT On Pertinent International Legal Obligations and Good Practices for States Related to Operations of Private Military and Security Companies During Armed Conflict, Available at: www.icrc.org Accessed: 12/ 05/ ۲۰۱۷, ¶۵۱۵

^۲Doswald-Beck

^۳Doswald-Beck, L, 2007, Private Military Companies Under International Humanitarian Law”, in From Mercenaries to Market: The Rise and Regulation of Private Military Companies. Edited by Simon Chesterman and Chia Lehnardt. Oxford: Oxford University Press, p 212

^۴Mercenaries

مالی و آموزش مزدوران و ماده ۴۷ پروتکل اول الحاقی: «مزدور کسی است که به قصد کسب منافع شخصی و بدون آن‌که تبعه یا عضو نیروهای مسلح طرف مخاصمه باشد، به شرکت مستقیم در مخاصمه برانگیخته می‌شود.»

در خصوص وضعیت ارتش‌های خصوصی نمی‌توان به یک نتیجه واحد دست یافت ماهیت ارتش‌های خصوصی در قالب مزدوری نیاز به بررسی شرایط مندرج در ماده ۴۷ پروتکل الحاقی دارد.^۱ اما با توجه به شروط مربوط به مزدوران باید گفت هرچند شرط شرکت در مخاصمات و انگیزه‌های مالی و منافع شخصی در خصوص ارتش‌های خصوصی نیز صادق است اما مهمترین شرط که همانا "عضو نیروهای مسلح نبودن و به خدمت نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه درنیامدن" در این خصوص ماهیت چنین ارتش‌هایی را با مزدوران متفاوت می‌سازد.^۲ با این حال اگر اعضای ارتش‌های خصوصی به عنوان مزدور نیز شناخته شوند از حمایت مذکور در فوق برخوردار خواهند بود.

۳-۴ ارتش‌های خصوصی به عنوان غیرنظامیان

غیرنظامی در قواعد حقوق بشردوستانه دارای مفهوم گسترده‌ای است و شاید دلیل اصلی این امر را در اعمال حمایت‌های بیشتری از این افراد جستجو کرد. از این رو طبق ماده ۵۰ پروتکل اول الحاقی: «غیرنظامی کسی است که عضو نیروهای مسلح هیچ یک از طرف‌های مخاصمه نباشد.» غیرنظامیان حق شرکت مستقیم در مخاصمات مسلحانه را ندارند. جمعیت غیرنظامی باید از حمله طرفین مخاصمه مصون باشند. ارتش‌های خصوصی زمانی به عنوان غیرنظامی شناخته می‌شوند که مستقیماً در مخاصمات مسلحانه شرکت نداشته باشند و یا به عضویت نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه

۱. برای شرکت در مخاصمه در داخل کشور یا خارج از کشور استخدام شده باشد
انگیزه اصلی او از شرکت در مخاصمات، منافع شخصی و دریافت دستمزد باشد.
تبعه یا ساکن سرزمین تحت کنترل طرف مخاصمه نباشد.
عضو نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه نباشد.
به طور مستقیم در مخاصمات شرکت داشته باشد.
مامور به خدمت در نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه نباشد.

۲. Kozhanov, N, 2017, Main Drivers of Russian Military deployment in Syria, **International Studies Journal (ISJ)**, Vol. 13, No. 4 (52), Spring, p. 23.

چه به صورت رسمی و چه به صورت غیررسمی درنیامده باشند. دخالت در مخاصمه، مصونیت غیرنظامیان را زائل می‌سازد و هر زمان می‌توانند مورد حمله واقع شوند. ارتش-های خصوصی که در برابر موجودیت‌هایی غیر از دولت‌ها متعهدند از قبیل سازمان‌های بین‌الدولی، سازمان‌های غیردولتی یا سازمان‌های مسلح در یک مخاصمه غیربین‌المللی نیز غیرنظامی تلقی می‌شوند.^۱

۴-۴ ارتش‌های خصوصی به عنوان غیرنظامیان همراه نیروهای مسلح

مطابق ماده ۴ کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ این غیرنظامیان کسانی هستند که همراه نیروهای مسلح هستند، بی‌آنکه مستقیماً جزو آن نیروها باشند. از قبیل اعضاء غیرنظامی کارکنان هواپیماهای جنگی، خبرنگاران جنگی، تهیه‌کنندگان اجناس، اعضاء واحدهای کار یا خدمت که عهده‌دار آسایش نیروهای مسلح هستند مشروط به اینکه از طرف نیروهای مسلحی که همراهی می‌کنند مجاز باشند. برای این منظور نیروهای مسلح مزبور مکلفند کارت هویتی به این قبیل اشخاص تسلیم نمایند. این گروه‌ها رزمنده تلقی نمی‌شوند اما در صورت دستگیری توسط طرف مقابل، اسیر جنگی خواهند بود. آنچه که در ماده ۴ کنوانسیون آمده است، موارد حصری نبوده و می‌تواند دامنه‌ی گسترده‌تری از فعالیت‌ها را نیز دربرداشته باشد این همراهی تا جایی ادامه پیدا خواهد کرد که ارتش‌های خصوصی صرفاً به ارائه خدمات و فعالیت‌هایی اقدام نمایند که مجوز لازم را در این خصوص دارند و این بدان معناست که حق مشارکت مستقیم در مخاصمات را ندارند و بالتبع شرکت در مخاصمات باعث خواهد شد تا مزایای مربوط به اسرای جنگی در خصوص این افراد قابل اعمال نباشد.^۲ نکته‌ای که در خصوص ماهیت حقوقی ارتش‌های خصوصی در قالب غیرنظامیان همراه نیروهای مسلح، حائز اهمیت است این است که فعالیت‌های این ارتش‌ها باید در قالب خدمات پشتیبانی صورت گیرد و از طرف دیگر این ارتش‌ها باید برای

^۱Gillard, E, 2006, Private Military/Security Companies: the Status of their Staff and their Obligations under International Humanitarian Law and the Responsibilities of States in Relation to their Operations, Presentation held at the governmental experts' workshop, 16 January 2006, Küsnacht, Switzerland, p 539

^۲Melzer, N, 2009, Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities under International Humanitarian Law, Geneva: International Committee of the Red Cross pub, pp36-37

اقدامات و خدمات خود از دولت، مجوز لازم را کسب نموده باشند.

۵. وضعیت ارتش‌های خصوصی مطابق قواعد حقوق بین‌الملل

تا به امروز هیچ‌هنگام بین‌المللی وجود ندارد که به صراحت به ارتش‌های خصوصی مربوط گردد. به عنوان یک قاعده کلی حقوقی، این حقوق بین‌الملل عمومی است که روابط میان دولت‌ها را تنظیم می‌نماید و این در حالی است نسبت به ارتش‌های خصوصی تاثیر غیرمستقیمی دارد. مهم‌ترین اصولی که در این زمینه ذکر شده است، منع توسل به زور در روابط بین‌الملل طبق بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد و اعلامیه ۱۹۷۰ اصول حقوق بین‌الملل درباره همکاری و روابط دوستانه میان دولت‌ها در چارچوب منشور سازمان ملل است.^۳

هریک از مقرره‌های فوق‌الذکر قواعد بین‌المللی عرفی را تشکیل می‌دهند اما این در حالی است که این مقررات در زمینه ارتش‌های خصوصی نیست؛ زیرا ممکن است چنین ارتش‌هایی توسط دولت‌ها برای نقض تعهدات مربوط مورد استفاده قرار نگیرند.^۳

درحالی‌که ارتش‌های خصوصی به عنوان بازیگران عرصه مداخلات قدمتی در حدود تاریخ جنگ‌های سازمان یافته دارند، اما حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ای که به طور خاص با حضور و فعالیت‌های این ارتش‌ها سروکار داشته باشد، بسیار غیرموثر بوده و یا اصلاً وجود ندارد. وضعیت مبهم ارتش‌های خصوصی که بعد از جنگ سرد تکامل یافتند، یکی از مسائل مهم در زمینه حقوق مداخلات مسلحانه است. با این وجود، ظهور ارتش‌های خصوصی اجازه استفاده از این منابع گسترده بدون ایجاد مسئولیت را فراهم می‌کند. حقوق

۱. کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد خودداری خواهند نمود.

۲. Declaration on the Principles of International Law Concerning Friendly Relations and CO-Operation among States in Accordance with the Charter of the United Nations (GAR 2625) ۱۹۷۰

هر دولتی وظیفه دارد در روابط بین‌المللی خود از تهدید و استفاده از زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر دولتی باید به هر شیوه‌ای که با اهداف سازمان ملل سازگار نباشد، خودداری کند چنین تهدید یا توسل به زوری نقض قواعد بین‌المللی و منشور ملل متحد است و هرگز به عنوان یک ابزار حل اختلافات بین‌المللی به کار گرفته نخواهد شد.

۳. Stenner, L, 2014, Private Military and Security Companies: Security Actors without Accountability, KAIPTC Occasional, No. 36, p6

و وظایف میان نیروهای نظامی دولتی و دولت‌ها روشن است؛ اما رابطه میان دولت‌ها با ارتش‌های خصوصی تا حدودی مبهم باقی مانده و در حقیقت یک منطقه حقوقی خاکستری را ایجاد می‌کنند.

در مورد ارتش‌های خصوصی قواعد و مقررات بسیار کمی وجود دارد، که با توجه به روش‌های نوین فعالیت این ارتش‌ها، قواعد موجود نیز پاسخگوی نیازهای عصر حاضر نیست. به‌طور خلاصه قواعد و مقررات بین‌المللی موجود در این زمینه بسیار ابتدائی‌تر از آن هستند که بتواند موضوعات نوینی که در چند دهه اخیر ظاهر شده را حل و فصل نمایند.^۱

۶. تعهدات حقوقی ارتش‌های خصوصی

ارتش‌های خصوصی به عنوان بازیگران غیردولتی حاضر در صحنه مخاصمات مسلحانه در هر موقعیت و ماهیت حقوقی که حضور داشته باشند چه به عنوان رزمندگان، غیرنظامیان و ... به دلیل حضور در خاصمات دارای پاره‌ای از تعهدات می‌باشند.^۲ مطابق مقررات کنوانسیون‌های لاهه و چهارگانه ژنو و طبق مقررات حقوق بشری و مفاد سند مونترو، این تعهدات به طور کلی عبارتند از:

۱. تعهد کامل به احترام و رعایت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه.
 ۲. مسئولیت کیفری به جهت ارتکاب جنایات جنگی (از جمله برای فرماندهان)
 ۳. احترام به قواعد و مقررات حقوقی داخلی دولت صاحب سرزمین، زمانی که به عنوان افراد غیرنظامی شناخته می‌شوند.
- رفتار و اعمال اشخاص خصوصی در حقوق بین‌الملل قابل انتساب به دولت نمی‌باشد. دولت مسئول اعمال نمایندگان خود است بنابراین اگر اشخاص خصوصی به نمایندگی از طرف دولت اقدام به فعالیتی نمایند و مرتکب نقض تعهدی گردند در این حال می‌توان

۱ Kazi Aoul, S & Revil, É & Sarrasin, B & Campbell, B, 2000, Towards a Spiral of Violence? "the Dangers of Privatising Risk Management of Investments in Africa" Mining Activities and the Use of Private Security Companies, Available at: <http://www.ieim.uqam.ca/IMG/pdf/spiralen.pdf> Accessed: 04/07/2017, p12

۲ . پورقصاب امیری، ع؛ زنجایی، ع؛ ۱۳۹۵، نوع سوم مخاصمات مسلحانه، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، دوره ۱۳، شماره ۳ (۵۱)، زمستان، ص ۶.

دولت را مسئول شناخت.

صرف‌نظر از موقعیت حقوقی ارتش‌های خصوصی (رزمندگان، غیرنظامیان همراه نیروهای مسلح، غیرنظامیان) به‌مانند تمام بازیگران یک کشوری که درگیر مخاصمه مسلحانه است، اعضای ارتش‌های خصوصی توسط قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه ملزم و متعهد هستند و در نتیجه این تعهدات برای ارتکاب هرگونه جرمی در طول جنگ مسئولیت کیفری خواهند داشت. بنابراین ارتش‌های خصوصی در راستای احترام و رعایت قواعد حقوق بشردوستانه توسط اعضای آن‌ها پاره‌ای تکالیف و تعهدات را بر عهده دارند که عبارتند از:

۱. بررسی وضعیت و سوابق اعضای ارتش، برای اطمینان از عدم نقض مقررات حقوق بشردوستانه در گذشته.

۲. آگاهی تمامی اعضاء از مقررات و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه. همه اعضاء باید آموزش‌های عمومی و ویژه را گذرانده باشند. بنابراین به آموزش‌هایی که اعضاء در گذشته به عنوان اعضای نیروهای مسلح دولتی فراگرفته‌اند نباید اکتفا نمود.

۳. ارتش‌های خصوصی باید مکانسیم‌هایی را برای تحقیق و بررسی در خصوص هرگونه تخلف و نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را ایجاد نمایند.^۱

حدود ۱۵ سال بعد از اعلام « جنگ علیه تروریسم » و حمله به افغانستان و سپس عراق، جهان شاهد گسترش وسیعی از ارتش‌های خصوصی بوده که عموماً از درگیری‌ها و بی‌ثباتی‌ها در داخل کشورها سود می‌برند. صدها شرکت تنها در چند سال اخیر تشکیل شده‌اند و در حال حاضر یک صنعت وسیع خصوصی وجود دارد که صدها میلیارد دلار ارزش دارد.

در سال ۲۰۰۶ سه سال پس از حمله به عراق War on Want گزارشی در مورد مزدوران شرکتی منتشر نمود که مستقیماً نقش ارتش‌های خصوصی در مخاصمات را مورد هدف قرار داده بود. این گزارش افزایش ظهور ارتش‌های خصوصی را با افزایش نقض حقوق

Gillard, E, 2006, Private Military/Security Companies: the Status of their Staff and their Obligations under International Humanitarian Law and the Responsibilities of States in Relation to their Operations, Presentation held at the governmental experts' workshop, 16 January 2006, Küsnacht, Switzerland, p 7

بشر، تجارت سلاح‌های نوظهور و بی‌ثباتی سیاسی مرتبط می‌داند. کدهای اختیاری همچون کد بین‌المللی رفتاری برای ارتش‌های خصوصی و شرکت‌های ارائه دهنده خدمات امنیتی سال ۲۰۱۰ (ICOC) پاسخگویی لزوم مجازات متخلفانه ارتش‌های خصوصی نیست و درحقیقت برای مشروعیت بخشیدن به وجود و عملکرد این ارتش‌ها است. شورای حقوق بشر ملل متحد کنوانسیون را برای نظام‌مند کردن فعالیت‌های ارتش‌های خصوصی در سطح بین‌المللی توسعه داده است و سوئیس نیز قانونی را وضع نموده است که فعالیت‌های ارتش‌های خصوصی سوئیس را در صحنه مخصصات مسلحانه ممنوع می‌سازد.

زمانی که یک شرکت نظامی برای حضور در مخصصات مسلحانه انتخاب می‌شود، قرارداد، یک ابزار ساده و مستقیم برای تعیین تعهدات ارتش‌های خصوصی و اعضای آن‌ها است. این قرارداد می‌تواند مقرر کند که ارتش و اعضای آن باید مطابق با قوانین و مقررات دولتی که آن‌ها را به استخدام درآورده و قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل عمل نمایند. از جمله: مقررات حقوق بشری، قواعد حقوق بشردوستانه.^۱

حقوق بین‌الملل بشردوستانه نه تنها توسط طرفین مخاصمه بلکه توسط تمامی افرادی که در رابطه با یک درگیری دخالت می‌نمایند، چه اینکه از طرف یک دولت عمل نمایند یا خیر، باید رعایت گردد. تعهد به رعایت حقوق بشردوستانه، یک تعهد در قبال کل بشریت است که رعایت آن منوط به رعایت طرف دیگر مخاصمه نیست. عدم رعایت قواعد حقوق بشردوستانه توسط یکی از طرفین نمی‌تواند به اقدام متقابل منجر گردد.

۷. مسئولیت بین‌المللی

مسئولیت^۲ در لغت مصدر جعلی از ریشه سأل به معنای بازخواست، مواخذه، ضمان و ضمانت است.^۳ «مسئولیت بین‌المللی از ابداعات حقوقی است که به موجب آن، دولت

^۱ Dickinson, LA, 2007, Contract as a tool for regulating private military companies, in From Mercenaries to Market: The Rise and Regulation of Private Military Companies. Edited by Simon Chesterman and Chia Lehnardt. Oxford: Oxford University Press, p221

^۲ Responsibility

^۳ انصاری، م؛ طاهری، م ع، ۱۳۸۴، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران: انتشارات محراب، جلد ۳، چاپ اول،

ناقض یک قاعده بین‌المللی موظف است خسارات حقوقی ناشی از این نقض را در قبال دولت دیگر جبران کند.^۱ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کارخانه کورزو^۲ در خصوص مسئولیت بین‌المللی اعلام می‌دارد: که مسئولیت بین‌المللی یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل است که نقض تعهد، الزام به جبران خسارت را موجب خواهد شد.^۳ مطابق تعریف ارائه شده توسط پاول روتر^۴ مسئولیت در دل حقوق بین‌الملل نهفته است. تعریف سنتی مسئولیت بین‌المللی همانگونه که هوگو گروسیوس بیان می‌کند از مفاهیم حقوق داخلی گرفته شده است. از این منظر، زمانی که فعلی سبب ایجاد خسارت می‌گردد و جبران خسارت ضرورت پیدا می‌کند، در این حالت باید گفت که فعل مزبور سبب ایجاد مسئولیت گردیده است.^۵

مفهوم اساسی و بنیادین مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در ماده ۱ طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل بیان شده است: «هر فعل متخلفانه بین‌المللی دولت، موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت است.»

«اصطلاح عمل متخلفانه بین‌المللی ناظر بر تمامی رفتارهای متخلفانه از یک فعل مثبت یا از یک ترک فعل یا قصور در انجام ناشی شود. بنابراین می‌تواند شامل یک یا چند فعل یا ترک فعل و یا تلفیقی از هر دو باشد. رفتاری که براساس حقوق بین‌الملل متخلفانه محسوب می‌شود، موجب مسئولیت بین‌المللی دولت است.»^۶ مسئولیت دولت‌ها برای تحقق، بر لزوم رعایت تعهدات بین‌المللی استوار است. در حقوق بین‌الملل برای تحقق

۱. فیوضی، رضا، ۱۳۷۹، حقوق بین‌الملل مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۳

۲. Chorzow factory case, 1927

۳. دهشیری، م؛ ربانی، میلاد؛ ۱۳۹۶، تحول رویکرد گروه ویشاگرا د به امنیت از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، دوره ۱۴، شماره ۳ (۵۵)، زمستان، ص ۱۴۱.

۴. Paul Reuter

۵. Crawford, J & Pellet, A & Olleson, S & Parlett, K, 2010, The Law of International Responsibility, oxford: university press, p3

۶. کرافورد، ج، ۱۳۹۵، حقوق مسئولیت بین‌المللی، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، سیامک کریمی، حسن خسروشاهی، پریسا روشنفکر، تهران: انتشارات سنگلج قلم، چاپ اول، صص ۷۸-۷۹

مسئولیت بین‌المللی دولت وجود شرایط ذیل ضروری است:

۱. نقض یک تعهد بین‌المللی

۲. ایراد خسارت

۳. وجود رابطه سببیت میان نقض تعهد و ایراد خسارت

۴. قابلیت انتساب عمل زیان‌آور به یک رکن دولتی^۱

ماده ۲ طرح مواد کمیسیون در این زمینه مقرر می‌دارد: «فعل متخلفانه بین‌المللی دولت، هنگامی محقق می‌شود که رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل به موجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت باشد و نقض تعهد بین‌المللی آن دولت تلقی شود.»
«بنابراین مسئولیت دولت دو بعد دارد، یک عمل غیرقانونی که قابل استناد به دولت است و طبیعتاً اگر دولت بتواند یک دفاع قابل قبولی از اقدام خود ارائه دهد مسئولیت متوجه دولت نخواهد شد. در غیر اینصورت پیامد این مسئولیت، پرداخت خسارت و نیز پاسخگویی در برابر پیامدهای بین‌المللی این مسئولیت است.»^۲

۸. انتساب رفتار و اعمال ارتش‌های خصوصی به دولت

بنابر ماده ۵ پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت: «رفتار شخص یا نهادی که ارگان دولتی در مفهوم ماده ۴ محسوب نمی‌شود اما به موجب قانون آن دولت، مجاز به اعمال اقتدارات دولتی است به موجب حقوق بین‌الملل، فعل آن دولت محسوب می‌شود مشروط بر آن‌که شخص یا نهاد مزبور در قضیه ذی‌ربط در این سمت عمل کرده باشد.» با توجه به مفاد این ماده می‌توان دریافت که در مواردی که یک نهاد، ارگان دولتی نباشد می‌تواند سبب مسئولیت دولت گردد. در حقیقت وضعیتی است که اقتدارات دولتی یا حاکمیتی به نهادی که رسماً نماینده دولت نیست اما تحت دستور، هدایت یا کنترل آن عمل می‌کند تفویض شده است.^۳

۱. صفایی، ح، ۱۳۷۵، حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ص ۱۷

۲. دیکسون، م، ۱۳۹۶، درآمدی بر حقوق بین‌الملل، ترجمه: مهدی ذاکریان و حسن سعید کلاهی، تهران: انتشارات خرسندی، ص ۳۵۹

۳. کرافورد، ج، ۱۳۹۵، حقوق مسئولیت بین‌المللی، ترجمه: علیرضا ابراهیم گل، سیامک کریمی، حسن خسروشاهی، پریسا روشنفکر، تهران: انتشارات سنگلج قلم، چاپ اول، ص ۱۷۶

«به عنوان مثال در برخی از کشورها ممکن است با موسسات و شرکت‌های امنیتی خصوصی قراردادی منعقد شود تا به عنوان نگهبانان زندان فعالیت کنند، آن‌ها در این سمت ممکن است برخی اقتدارات عمومی را اعمال کنند. مانند اختیار بازداشت و تنبیه براساس یک تصمیم قضایی یا مقررات حاکم بر زندان‌ها»^۱

ماده ۵ از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا در حال حاضر شمار روزافزونی از عملکردهای حکومت به نهادهای دیگر محول شده است. فعالیت ارتش‌های خصوصی همچون بلک‌واتر، سرویس زنون، داین کورپ در عراق و افغانستان توسط ایالات متحده از نمونه‌های بارز در این زمینه است.^۲

«هرگاه دولتی یک تعهد مندرج در معاهده را نادیده بگیرد بی‌تردید آن عمل یک اقدام دولتی به‌شمار می‌آید. اما در مواردی که عملکرد اشخاص خاص یا نهادها در درون یک دولت مورد اعتراض قرار گیرند اساساً بایستی مشخص شود عملی که آنها انجام می‌دهند (یا رفتاری که می‌تواند یک اقدام تلقی شود) از طرف دولت بوده و لذا مسئولیت بین‌المللی در پی دارد. در غیر اینصورت حقوق بین‌الملل نقض نشده و لذا مسئولیتی متوجه دولت نمی‌شود.»^۳

رفتار و اعمال اشخاص خصوصی در حقوق بین‌الملل قابل انتساب به دولت نمی‌باشد. «رفتارهای یک فرد یا گروه می‌تواند به دولت منتسب شود مشروط بر اینکه براساس قوانین داخلی اختیار عملی از طرف دولت داشته و بر مبنای آن عمل کنند و استناد عملی به دولت مشروط بر آن است که رفتار فرد یا گروه تحت هدایت یا کنترل دولت باشد.»^۴

دولت مسئول اعمال نمایندگان خود است، بنابراین اگر اشخاص خصوصی به نمایندگی از طرف دولت اقدام به فعالیتی نمایند و مرتکب نقض تعهدی گردند، در این

۱. کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸، مسئولیت بین‌المللی دولت متن و شرح مواد کمیسیون

حقوق بین‌الملل، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، تهران: انتشارات شهردانش، چاپ اول، ص ۵۳

۲. کرافورد، ج، ۱۳۹۵، حقوق مسئولیت بین‌المللی، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، سیامک کریمی، حسن خسروشاهی،

پریسا روشنفکر، تهران: انتشارات سنگلیج قلم، چاپ اول، ص ۱۷۷

۳. دیکسون، م، ۱۳۹۶، درآمدی بر حقوق بین‌الملل، ترجمه: مهدی ذاکریان و حسن سعید کلاهی، تهران: انتشارات

خرسندی، ص ۳۶۳

۴. همان، صص ۳۶۶-۳۶۷

حالت می‌توان دولت را مسئول شناخت. ارتش‌های خصوصی دارای ساختار و تشکیلات سازمانی ویژه‌ای هستند که در آن مسئولیت اعمال اعضاء بر عهده فرماندهان آنهاست. این اشخاص خصوصی دارای سلسله مراتب نظامی می‌باشند. بنابراین باید دید چه معیاری برای انتساب اعمال ارتش‌های خصوصی به دولت‌ها باید مورد توجه قرار گیرد؟

مطابق ماهیت ارتش‌های خصوصی که به نوعی شرکت‌های خصوصی هستند که در کشوری تشکیل گردیده و بنابر درخواست دولت‌های مختلف به فعالیت می‌پردازند، بایستی گفت چنین ارتش‌هایی وابسته به یک کشور خاص نیستند و بحث نحوه تشکیل شرکت در کشور متبوع آنها، ارتباطی به مسئولیت بین‌المللی دولت استخدام کننده ندارد. به عبارتی زمانی که شرکت بلک‌واتر وارد مخرامه‌ای می‌گردد، نمی‌توان از مسئولیت ایالات متحده به عنوان دولت متبوع به جهت نقض تعهدات آنها سخن به میان آورد. کنترل این دولت صرفاً در جهت نحوه و ضوابط تشکیل، نوع سلاح‌های مجاز مورد استفاده و... می‌تواند مطرح باشد.

بنابراین در ارتش‌های خصوصی چه براساس معیار کنترل کلی و چه معیار کنترل مؤثر، دولت استخدام کننده مسئولیت بین‌المللی اقدامات ناشی نقض قواعد توسط این ارتش‌ها را بر عهده خواهد داشت؛ چراکه ارتش‌های خصوصی، وضعیت نیروهای نظامی دولتی را نخواهند داشت تا بتوان براساس معیارهای فوق‌الذکر به تعیین مسئولیت پرداخت. فعالیت ارتش‌های خصوصی صرفاً تحت کنترل یک دولت قرار دارد. در عرصه مخرامات مسلحانه نیز بحث از نحوه فعالیت و عملکرد چنین نیروهای خصوصی است و نه نحوه تشکیل آنها. دنیا بعد از پایان جنگ سرد شاهد رشد و گسترش ارتش‌های خصوصی که به صورت قانونی تشکیل شده‌اند بود که نقش‌های متعددی در جنگ‌ها، امنیت بین‌المللی و بازسازی‌های بعد از جنگ ایفا می‌کنند. عملیات ارتش‌های خصوصی در عراق و افغانستان در قرن ۲۱ با نقض حقوق بشری و اعمال شکنجه و رفتارهای نامناسب با اسرای جنگی همراه بوده است.

درحقیقت این نیروهای خصوصی احتمالاً خارج از تعهدات قراردادی خود عمل کرده و مرتکب اعمال جنایتکارانه می‌گردند. از این رو بحث از مسئولیت کیفری به جهت نقض قواعد حقوق بشر دوستانه توسط این ارتش‌ها از چالش‌های اساسی است. خدمات نظامی و

امنیتی به طور وسیع در اختیار دولت و نیروهای دولتی در راستای حفظ و بقای آن دولت قرار دارد. در پایان جنگ سرد شمار زیادی از سربازان آموزش دیده بیکار شدند، چنانکه بسیاری از دولت‌ها اقدام به برون سپاری برخی از تعهدات نظامی و امنیتی خود به ارتش - های خصوصی نمودند. که این امر به طور پیوسته منجر به افزایش بی‌سابقه در زمینه خصوصی سازی جنگ، گردید و ارتش‌های خصوصی عهده‌دار وظایفی شدند که تا پیش از این بر عهده نیروهای دولتی بود. قرن ۲۱ شاهد رشد فزاینده ارتش‌های خصوصی است که در مناطق جنگی عراق و افغانستان مستقر شده‌اند. چنین نیروهایی نقش تعیین‌کننده‌ای در درگیری‌های مسلحانه ایفا می‌کنند حضور آن‌ها گاهی اوقات نتیجه جنگ را تعیین می‌کند.

با اینکه پیدایش نیروهای نظامی خصوصی در عرصه‌های مختلف امنیت بین‌المللی جدید نیست، اما به طور قابل توجهی توسط دولت‌ها، جوامع مدنی و سازمان‌ها بین‌المللی به عنوان بازیگران قانونی شناخته می‌شوند که می‌توانند بر نتیجه یک مخاصمه تاثیر بگذارند. توجه به این واقعیت ضروری است که اعضای ارتش‌های خصوصی می‌توانند در اعمال جنایتکارانه در طی مخاصمه مسلحانه دخالت داشته باشند. از اینرو چگونگی احراز مسئولیت کیفری فردی یا گروهی این ارتش‌ها یکی از چالش‌های اساسی در زمینه حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.^۱

۹. مسئولیت کیفری برای دولت‌ها

مطابق بند ۲ ماده ۱۹ پیش نویس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۱۹۸۰) چنانچه تخلف بین‌المللی دولت ناشی از نقض تعهدی باشد که رعایت آن برای صیانت از منافع اساسی جامعه بین‌المللی به گونه‌ای ضروری است که نقض آن از طرف جامعه بین‌المللی به طور کلی جنایت شناخته می‌شود، تخلف مزبور جنایت بین‌المللی محسوب می‌شود. کمیسیون، طبق این ماده و با تاسیس نهاد جنایات بین‌المللی عملاً مسئولیت کیفری دولت‌ها را مورد شناسایی قرار داد. شناسایی مسئولیت کیفری برای دولت‌ها با توجه به تلاقی با حاکمیت آنها مورد پذیرش واقع

^۱. مسعود، ع؛ ۱۳۹۶، کاربرد ویجیلانت و ویجیلانتیسم در راستای تضمین عدالت در جوامع، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، دوره ۱۴، شماره ۳ (۵۵)، زمستان، ص ۱۰۵.

نگردید. کمیسیون حقوق بین‌الملل در نهایت با حذف ماده ۱۹ از طرح مزبور ماده ۱ طرح پیش‌نویس سال ۲۰۰۱ را جایگزین آن نمود که مقرر می‌دارد: هر تخلف بین‌المللی دولت، موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت است. «به طور کلی در حقوق بین‌الملل کیفری دو نوع مسئولیت بین‌المللی قابل طرح است: مسئولیت کیفری فردی که مربوط به افراد و مرتکبین جنایات است و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها که در نتیجه عدم ایفای تعهدات، مطرح می‌گردد.»^۲ یکی از عمده‌ترین عرصه‌های حقوق بین‌الملل که در آن مسئولیت کیفری دولت‌ها مطرح می‌شد، نقض حقوق جنگ به ویژه نقض قواعد حقوق بشر دوستانه بود. دکترین مسئولیت کیفری دولت‌ها یکی از مسائل اختلافی و بحث برانگیز است. در خلال محاکمه‌های صورت گرفته توسط دادگاه‌های نورنبرگ و به دنبال آن توکیو، هرچند در ابتدا به دنبال عدول از اصل مصونیت مقامات دولتی بودند، اما در عمل محاکمه افراد و مسئولیت کیفری افراد مورد پذیرش قرار گرفت. کمیسیون حقوق بین‌الملل اعلام نمود که برای دولت‌ها در کنار مسئولیت کیفری افراد نمی‌توان مسئولیت کیفری خاصی قائل شد. چنین مسئولیتی در هیچ یک از معاهدات سابقه ندارد.^۳ عملاً هیچ رویه‌ای در مورد مسئولیت کیفری دولت وجود ندارد و هیچ کنوانسیون جهانی و منطقه‌ای به مسئولیت کیفری دولت به جهت نقض مقرره‌های آن اشاره نکرده است.»^۴

۱۰. مسئولیت کیفری افراد در عرصه حقوق بین‌الملل

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نمی‌تواند مسئولیت کیفری اشخاص را نفی کند، چه این مسئولیت به جهت نقض تعهد باشد چه از جهت نقض یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل.^۵

۲. دلخوش، ع، ۱۳۹۰، مقابله با جرایم بین‌المللی تعهد دولت‌ها به همکاری، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ

اول، ص ۲۵۶

۳. همان، صص ۲۳۳-۲۳۴

۴. عبدالهی، م، ۱۳۸۲، چالش‌های مسؤولیت کیفری دولت از منظر کمیسیون حقوق بین‌الملل، مجله پژوهش‌های

حقوقی، شماره ۳، ص ۴۹

۵. زمانی، ق، ۱۳۹۵، واگرایی و همگرایی «مسئولیت کیفری فردی» و «مسئولیت بین‌المللی دولت»: تأملی در

اوراق پرونده جنگ شیمیایی عراق علیه ایران، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۵۱،

تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۳

پایه اساسی شناخت مفهوم مسئولیت کیفری بین‌المللی مربوط به معاهده صلح ورسای پس از جنگ جهانی اول و سپس تشکیل دادگاه‌های نظامی بعد از جنگ جهانی دوم است. جنایات ارتكابی در طی جنگ جهانی دوم زمینه را برای محاکمه و مجازات جنایتکاران جنگ فراهم کرد. مطابق ماده ۶ اساسنامه دادگاه نورنبرگ، مسئولیت کیفری فردی برای جنایات علیه صلح، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است.

تاکنون در عرصه حقوق بین‌الملل تعریفی از مسئولیت کیفری بین‌المللی ارائه نشده است. اما با این حال مطابق مفاهیم مسئولیت بین‌المللی و مسئولیت کیفری می‌توان به تعریف مناسبی در این خصوص دست یافت. در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۷۶ مفهوم جرایم بین‌المللی دولت‌ها را در پیش‌نویس مواردی راجع به مسئولیت دولت‌ها مورد پذیرش قرار داد و این امر در طرح ۱۹۸۰ کمیسیون راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تکرار شد. دولت‌ها موضوع اصلی حقوق و تکالیف بین‌المللی هستند و از اینرو مسئولیت ناشی از نقض تعهدات بین‌المللی نیز بر عهده دولت‌ها نهاده شده است. این کمیسیون در سال ۱۹۸۴ فعالیت‌های خود را برای تهیه پیش‌نویس کد جرایم علیه صلح و امنیت بشری با تأکید بر اصل مسئولیت کیفری فردی آغاز کرد.^۶ به عبارتی مسئولیت کیفری بین‌المللی عبارت است از: «نقض قواعد حقوق بین‌الملل توسط تابعان حقوق بین‌الملل به گونه‌ای که این نقض از نظر جامعه بین‌المللی جرم و جنایت تلقی گردیده و به تبع آن مرتکب، مسئولیت کیفری داشته و در نهایت مجازات گردد».^۷

«اشخاص و مرتکبین جرایم بین‌المللی به دو دسته کلی قابل تقسیم هستند: اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی. اشخاص حقیقی دارای مسئولیت کیفری بین‌المللی هستند. همانگونه که در اساسنامه دادگاه نورنبرگ نیز مورد تأکید قرار گرفته، اشخاص حقوقی غیردولتی چنانچه وابسته دولت نباشند به نظر می‌رسد که دارای مسئولیت کیفری بین‌المللی

۶. دلخوش، ع، ۱۳۹۰، مقابله با جرایم بین‌المللی تعهد دولت‌ها به همکاری، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ

اول، صص ۱۰۰-۱۰۱

۷. سلیمی، ص، ۱۳۷۶، پدیده مجرمانه و مسئولیت کیفری در حقوق بین‌الملل و حقوق کیفری، تهران: انتشارات

خیام، چاپ اول، ص ۲۶

۱۱. جنایات ارتكابی توسط ارتش‌های خصوصی

۱-۱۱ جنایات علیه بشریت ارتكابی توسط ارتش‌های خصوصی

براساس ماده ۶ اساسنامه دادگاه نورنبرگ و ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جنایات علیه بشریت عبارتند از: «قتل با سبق تصمیم، نابودی کامل، به بردگی گرفتن فرد، نقل و انتقال افراد و هر عمل غیر انسانی دیگر که در مورد افراد غیرنظامی قبل یا در حین جنگ صورت بگیرد. شکنجه، تجاوز جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، تعقیب و آزاد اذیت هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، قومی، ملی، فرهنگی، مذهبی، جنسی و یا علل دیگر، جنایت تبعیض نژادی و...» این اعمال زمانی جنایات علیه بشریت محسوب می‌گردند که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن ارتکاب یابد، اعم از اینکه در زمان مخاصمه مسلحانه باشد یا در زمان صلح. گسترده بودن، اشاره به ماهیت بسیار وسیع حملات و تعداد قربانیان دارد و سیستماتیک بودن نیز اشاره به سازمان یافته بودن عملیات و عدم احتمالی بودن وقوع آنها دارد.^۹

در گذشته جنایات علیه بشریت با مفهوم جنایات جنگی درهم پیچیده بود؛ چرا که این دو جنایت تحت یک عنوان واحد "جنایت جنگی" در اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته بود. اما با توجه به گستردگی جنایات نسبت به غیرنظامیان، این مفهوم از جنایات جنگی متمایز گردید.^{۱۰}

در جنایات علیه بشریت لزومی ندارد که مرتکب، عضو نیروهای یک دولت یا سازمان درگیر در مخاصمه باشد، چرا که این جنایات می‌تواند شامل تمامی افرادی باشد که در پی اجرا و حمایت از سیاست‌های یک دولت یا سازمان هستند. بنابراین اعضای ارتش‌های

۸ گلدوست جویباری، ره: خانلری المشیری، ع، ۱۳۸۸، مصونیت کیفری بین‌المللی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ص ۱۰۷

۹. Herberg-Rothe, A, (2017), Lessons from World War I for the rise of Asia and their Civilizations, *International Studies Journal (ISJ)*, Vol. 14, No.2 (54), Fall, pp.125-133.

۱۰. طهماسبی، ج، ۱۳۹۱، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم، ص ۲۴۶

خصوصی، مطابق قواعد حقوق بشر دوستانه در هر موقعیت حقوقی که قرار گرفته باشند، در صورت ارتکاب جنایات علیه بشریت مورد محاکمه و مجازات قرار خواهند گرفت. مشارکت MPRI در عملیات موسوم به "طوفان" در کرواسی در سال ۱۹۹۵ نمونه بارز از ارتکاب جنایات علیه بشریت توسط ارتش‌های خصوصی است.^{۱۴}

۲-۱۱ ارتکاب جنایات جنگی توسط اعضای ارتش‌های خصوصی

جنایات جنگی عموماً به عنوان مفهومی مرتبط با نیروهای نظامی دولتی در عرصه مخاصمات شناخته می‌شود. حضور ارتش‌های خصوصی در مخاصمات و شرکت در عملیات نظامی این مفهوم را دستخوش تغییر نمود. در حقیقت استخدام نیروهای نظامی خصوصی استثنائی بر قاعده فوق‌الذکر است. مفهوم سستی که جنایات جنگی در ابتدا به عنوان یک مفهوم مرتبط با نیروهای مسلح دولتی در مخاصمات در نظر گرفته می‌شد، به شدت تحت تاثیر مشارکت ارتش‌های خصوصی در عملیات نظامی در مخاصمات مسلحانه قرار گرفت. برخلاف نیروهای نظامی دولتی، اعضای ارتش‌های خصوصی از یک وضعیت قانونی مبهم در قواعد حقوق بشر دوستانه برخوردار هستند.

ارتش‌های خصوصی متهم به ارتکاب جرائم مختلف علیه غیرنظامیان و بازداشت‌شدگان به ویژه در جنگ دوم خلیج فارس شده‌اند. خلاء مسئولیت ارتش‌های خصوصی در اتفاقات سال ۲۰۰۴ در بازداشتگاه ابوغریب در عراق کاملاً روشن و واضح بود.^{۱۵}

۱۱. شرکت منابع حرفه‌ای نظامی یک شرکت جهانی ارائه دهنده خدمات نظامی است که در سال ۱۹۸۷ توسط هشت رهبر ارتش سابق ایالات متحده تشکیل شد. این شرکت ارائه دهنده خدمات تخصصی فرماندهی، کنترل و ارتباطات، اطلاعات نظارت و شناسایی، آموزش و شبیه‌سازی و ارتقاء و تعمیر و نگهداری هواپیما و پایگاه‌ها و خدمات دفاعی است.

۱.۲ Operation Storm

۱۳. در سال ۱۹۹۱، ارتش نوپای کرواسی با نیروهای صرب در یوگسلاوی سابق دچار بحران شد و در اوایل ۱۹۹۵، ۳۰ درصد از سرزمین‌های کرواسی به اشغال نیروهای بیگانه درآمد. در سال ۱۹۹۴، پس از آنکه هیچ پیشرفتی در شرایط موجود ایجاد نشد، دولت کرواسی با درخواست کمک از دولت ایالات متحده، اعلام کرد که این دولت خواستار استفاده از مدل‌های نظامی ایالات متحده است. (شریفی طرازکوهی، آذری، ۱۳۹۰، ص ۷۶)

Werle, G & Jeberger, F, 2005, Principles of International Criminal Law, Oxford: Oxford University Press, p50

Spiegel, P, 2005, No contractors facing Abu Ghraib abuse charges, Available at:

علاوه بر آزار زندانیان ابوغریب، در تاریخ ۱۶ سپتامبر اعضای بلکواتر در حالیکه یک کاروان دیپلماتیک ایالات متحده آمریکا را همراهی می‌کردند حدود ۳۷ غیرنظامی را در زمان درگیری در میدان نزور در بغداد کشتند. در سیرالئون نیز پیامدهای حملات هوایی سبب آسیب‌های عظیمی گردید. این موارد به این واقعیت اشاره می‌کنند که قواعد و مقررات بین‌المللی به سختی قابلیت اجرایی پیدا می‌کنند.^{۱۶} از دیدگاه حقوق بین‌الملل جنایات جنگی به نقض فاحش قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی یعنی مقررات و عرف‌های حاکم بر منازعات مسلحانه اطلاق می‌شود. البته حقوق بین‌الملل بشردوستانه شامل یک سلسله وسیع از قواعد تکنیکی است که نمی‌توان نقض همه آن‌ها را جنایات جنگی تلقی کرد. نقض فاحش قواعد حقوق بشردوستانه با ضمانت اجرای کیفری در سطح بین‌المللی مواجه است.^{۱۷} منشور نورنبرگ در بند ب ماده ۶ اساسنامه اعلام می‌دارد:

«جنایات جنگی به معنی نقض حقوق و عرف‌های جنگی است. چنین نقض‌هایی می‌تواند شامل قتل، سوءرفتار با جمعیت غیرنظامی و یا تبعید آنان به منظور بیکاری و یا هر هدف دیگری به داخل یا خارج از مناطق اشغالی، قتل یا سوءرفتار با اسیران جنگی یا افرادی که در دریا گرفتار شده‌اند، کشتار گروگان‌ها، غارت و چپاول اموال عمومی یا خصوصی، انهدام بی‌رویه شهرها، شهرک‌ها و روستاها و یا تخریب فاقد توجیه نظامی می‌باشد.» کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ با در برداشتن قواعدی در خصوص نقض فاحش مقررات، صراحتاً به شناسایی برخی نقض‌ها به عنوان جرم پرداخته که تحت صلاحیت قضایی جهانی قرار می‌گیرند و این قواعد منعکس کننده حقوق بین‌الملل عرفی هستند.^{۱۸}

مطابق کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو^{۱۹} شدیدترین جرایم جنگی نقض فاحش تلقی

http://www.ft.com/cms/s/0/610c9e58-0871-11da-97a6-00000e2511c8.html?ft_site=falcon&desktop=true#axz4skspLhC9 Accessed: 15/02/ 2017

۱. Morgenthau, H, 1987, Politics among nations: the struggle for power and peace, New York : Knopf pub, p281

۱۷. طهماسبی، ج، ۱۳۹۱، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم، ص ۲۱۶

۱۸. کریز، ر؛ فریمن، ه؛ رابینسون، د؛ ویلمزهرست، ا، ۱۳۹۳، حقوق و رویه کیفری بین‌المللی، ترجمه ارمغان عبیری،

زهران عامری، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول، ص ۳۰۸

۱۹. مواد ۵۰ کنوانسیون اول، ۵۱ کنوانسیون دوم، ۱۳۰ کنوانسیون سوم، ۱۴۷ کنوانسیون چهارم، ۵۸ پروتکل اول الحاقی

می‌گردد که عبارتند از: «کشتار عمدی، شکنجه یا رفتار خلاف انسانیت به انضمام آزمایش‌های بیولوژی، ایراد درد شدید بطور عمدی یا لطمه شدید به تمامیت جنسی یا به سلامتی، انهدام و تصرف اموال که متکی به ضروریات جنگی نباشد و به مقدار کلی بطور غیرمشروع و به دلخواه شخص صورت گیرد، اجبار اسیران جنگی و غیرنظامیان یا زندانی کردن جمعیت مورد حمایت، به قحطی کشاندن جمعیت غیرنظامی از طریق نابود کردن، جابه‌جایی یا بلااستفاده کردن اهداف باارزش برای بقای جمعیت غیرنظامی.» بسیاری موارد دیگر که در کنوانسیون‌های مزبور گنجانده شده است. جنایات جنگی نه تنها توسط نیروهای مسلح اعم از دولتی و خصوصی، بلکه توسط غیرنظامیان نیز امکان ارتکاب دارد.

بنابراین اعضای ارتش‌های خصوصی در هر وضعیت حقوقی اقدام به نقض فاحش حقوق بشردوستانه و تخطی از این قواعد نمایند، حسب‌مورد به جرایم جنگی متهم خواهند شد. چه جنایات صورت گرفته در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی صورت بگیرد چه در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی. به لحاظ تئوری چنین افرادی می‌توانند در هر کشوری یا در قبال هر دادگاه بین‌المللی مورد محاکمه قرار گیرند.^{۲۰}

۱۲. مسئولیت کیفری اعضای ارتش‌های خصوصی

ارتش‌های خصوصی براساس ماهیت فعالیتشان ممکن است به عنوان رزمندگان، مزدوران یا غیرنظامیان طبقه‌بندی شوند. اعضای ارتش‌های خصوصی مطابق وضعیت شخص خود دارای حقوق و تکالیفی برای مسئولیت‌های خود براساس قواعد حقوق بشردوستانه می‌باشند. توسعه اخیر حقوق کیفری بین‌المللی گاهی پا را فراتر نهاده تا هر شخصی را بدون در نظر گرفتن مقام و موقعیت‌اش مسئول نقض قواعد حقوق بشری و بشردوستانه اعلام نماید. برخلاف مسئولیت کیفری بین‌المللی افراد، گاهی اوقات مفهوم مسئولیت کیفری شخصیت حقوقی برای نسبت دادن سوءرفتارهای نهادهای خصوصی نیز ممکن است مطرح گردد. این یک موضوع بسیار بحث‌برانگیز است؛ چراکه در حال حاضر و تحت قواعد و مقررات بین‌المللی ارتش‌های خصوصی به‌عنوان یک شخصیت حقوقی

Henckaerts, J & Doswald-Beck, L, 2005, Customary International Humanitarian Law, Cambridge: Cambridge University Press, Vol I, pp 3894-3931

نمی‌توانند به‌طور مستقیم مسئول تخلفات باشند .

شرکت‌های خصوصی موضوع حقوق بین‌الملل نیستند؛ چراکه آن‌ها ثبت و تشکیل شده در خاک یک دولت بوده و تحت صلاحیت ملی آن دولت قرار می‌گیرند. در برخی از حوزه‌های قضایی ملی ممکن است که شرکت‌های خصوصی مسئولیت تخلفات صورت گرفته را برعهده داشته باشند.^{۲۱}

طبق دستورالعمل‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی برای شرکت‌های چندملیتی از تعهدات مهم این شرکت‌ها پیروی از قواعد حقوق بشری است. ارتش‌های خصوصی در بیشتر موارد به مانند شرکت‌های چند ملیتی واجد شرایط چنین تبعیتی هستند. اما چنین دستورالعمل‌هایی معمولاً اثر قانونی الزام‌آوری ندارند تا بتوان مطابق آن ارتش‌های خصوصی را کنترل نمود. اصل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نخستین بار در منشور لندن به رسمیت شناخته شد. اما این اصل در کنفرانس دیپلماتیک رم مورد پذیرش دولت‌ها قرار نگرفت زیرا معتقد بودند:

۱. در بسیاری از کشورها اصل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مورد پذیرش قرار نگرفته.
۲. امکان تعقیب و محاکمه به جهت صرف وقت و هزینه مضاعف وجود ندارد .

دلایل ذکر شده قابل پذیرش نیست؛ زیرا اصل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در بسیاری از کشورها پذیرفته شده و حتی کنوانسیون جرایم سازمان یافته فراملی نیز در ماده ۱۰^{۲۵}

۲۱ Macdonald, A, 2005, "The Legal Status of Military and Security Subcontractors", in ARNOLD Roberta & HILDBRAND Pierre-Antoine (eds), International Humanitarian Law and the 21st Century's Conflicts: Changes and Challenges, Lausanne, Editions Inter-universitaires Suisses, p215

۲۲ Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

۲۳ شرکت‌های چند ملیتی بنگاه‌های بزرگ صنعتی - تجاری هستند که پایگاه اصلی آنها در یک کشور واقع است؛ اما علاوه بر آن در چند کشور خارجی دیگر از طریق شبکه‌ای از واحدها، سازمان‌ها و شرکت‌های تابع، فعالیت تولیدی و فروش دارند.

۲۴ OECD Guidelines for Multinational Enterprise, 2011 Edition, Part I, Chapter I, Paragraph (4)

۲۵ The United Nations Convention against Transnational Organized Crime (UNTOC)

۲۶. ماده ۱۰ کنوانسیون تحت عنوان «مسئولیت اشخاص حقوقی» مقرر می‌دارد:

- ✓ هر دولت عضو، منطبق با اصول حقوقی خود، اقدامات مقتضی جهت شناسایی مسئولیت اشخاص حقوقی مشارکت کننده در ارتکاب جرایم شدیدی که یک گروه مجرم سازمان یافته نیز در آنها دخالت دارد را اتخاذ خواهد نمود.
- ✓ بسته به اصول حقوقی دولت عضو، مسئولیت اشخاص حقوقی می‌تواند کیفری، مدنی یا اداری باشد.

خود به این موضوع پرداخته است.

۱-۱۲ مسئولیت کیفری فرماندهان ارتش‌های خصوصی

با پذیرش این مساله که اعضای ارتش‌های خصوصی مسئول اعمال جنایتکارانه خود در طول مخاصمات مسلحانه هستند، در کنار این امر باید به مسئولیت فرماندهان این ارتش‌ها نیز اشاره کرد. از این رو حقوقدانان دکترین مسئولیت فرماندهی و مساله اوامر مافوق را به عنوان جنبه‌های فنی مرتبط با محاکمه جنایات جنگی ارتكابی توسط ارتش‌های خصوصی شناسایی کرده‌اند. این امر سبب نگرانی نیروهای مسلح دولتی می‌شود. فرماندهان معمولاً به خاطر جرایمی که آن‌ها دستور ارتكاب آن را داده‌اند مسئول هستند.

علاوه بر این فرماندهان و افسران مافوق به جهت جنایات جنگی ارتكاب یافته توسط

زیردستانشان مسئولیت کیفری دارند اگر:

۱. فرماندهان به این امر آگاه بودند

۲. یا باید با توجه به اوضاع و احوال قضیه می‌دانسته که نیروهای تحت امر وی در حال ارتكاب چنین جرایمی هستند.

۳. اقدامات لازم و معقولی برای جلوگیری از این امر اتخاذ نکرده‌اند.^{۲۷}

مسئولیت فرماندهان به جهت جرایم ارتكابی طبق دستور آنها، قابل مقایسه با تحریک به ارتكاب جرم است. با این وجود قاعده‌ای وجود دارد که به فرماندهان و افسران مافوق مسئولیت کیفری بین‌المللی به جهت ارتكاب جرایم جنگی توسط زیردستانشان را می‌دهد، اگر فرماندهان و افسران مافوق آگاهی داشتند یا باید آگاه می‌بودند که افراد زیردست آن‌ها مرتکب چنین جنایاتی شده‌اند و همچنین فرماندهان اقدامات لازم را بعد از آگاهی از این امر اتخاذ نمایند. در خصوص ارتش‌های خصوصی مهم‌ترین مسأله این است که چه کسی در داخل سازمان و تشکیلات این ارتش‌ها به عنوان فرمانده در نظر گرفته می‌شود. اگر

✓ این مسئولیت خدش‌های به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی که مرتکب این جرایم شده‌اند، وارد نخواهد کرد.
✓ هر دولت عضو اطمینان حاصل خواهد کرد، اشخاص حقوقی که طبق این ماده مسئول شناخته می‌شوند، مورد مجازات‌های کیفری یا غیر کیفری، قرار خواهند گرفت.

۲۷. ماده ۲۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری

سازمان و سلسله مراتب خاصی وجود نداشته باشد، پس این سوال باید در حقیقت در زمان ارتکاب جرم مطرح باشد.

مسئولیت کیفری فرماندهان مطابق ۸۶ و ۸۷ پروتکل اول الحاقی حیطه بسیار گسترده‌ای از آنچه که اساسنامه دادگاه‌های توکیو و نورنبرگ اعلام کرده بودند را در بر می‌گیرد. به گونه‌ای که طبق پروتکل، فرماندهان غیرنظامی به عبارتی شهروندانی که به جهت موقعیت اجتماعی خاص بوده و گروهی از افراد تحت فرمان آنها عمل می‌کنند را در بر می‌گیرد این نوآوری در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای روآندا (۱۹۹۴) نیز آمده است. برای احراز رابطه فرمانده - زیردست، دادگاه‌های اختصاصی به معیار کنترل مؤثر توجه دارند. براساس این معیار اگر فرمانده بر شخصی که مرتکب جرم شده است کنترل مؤثر داشته به عبارتی توانایی جلوگیری از جرم و مجازات مجرم را داشته باشد فرمانده مسئولیت خواهد داشت.^{۲۸}

۲-۱۲ مسئولیت ناشی از اوامر مافوق

مسئله دیگری که در خصوص مسئولیت فرماندهان مطرح است، مسئولیت ناشی از اوامر مافوق است که معمولاً به عنوان دفاع یک سرباز با توجه به وظیفه نظامی وی برای اطاعت از دستورات مطرح می‌گردد. با این وجود این موضوع به عنوان یک دفاع پذیرفته نشده و قاعده فعلی این است که اطاعت از امر مافوق رافع مسئولیت کیفری نخواهد بود. این مسأله که سرباز براساس دستورات مقام مافوق خود عمل کرده است در صورتی که وی در نتیجه اجرای آن دستورات مرتکب جرایم جنگی شده باشد وی را از مسئولیت فردی معاف نمی‌کند. مطابق ماده ۳۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری دستورات مافوق رافع مسئولیت کیفری افراد نیست مگر در موارد ذیل:

۱. شخص الزام قانونی بر اطاعت از دستورات دولت یا مقام مافوق مورد نظر داشته است.
۲. شخص نمی‌دانسته که دستور صادره غیرقانونی بوده است.
۳. دستور صادره آشکارا غیرقانونی نبوده است.

۲۸. صلاحی، س، ۱۳۹۴، مسئولیت کیفری مافوق در نقض قواعد و مقررات حقوق بشر و بشردوستانه از سوی مأمورین

امریکایی در اشغال عراق، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۳، پاییز زمستان ۱۳۹۴، صص ۲۶۰-۲۶۱

دستاورد

از قرن ۱۹ میلادی انحصار دولت نسبت به اعمال زور از طریق ارتش‌های خصوصی تبدیل به الگوی جنگ بین‌المللی شد. ظهور و گسترش سریع ارتش‌های خصوصی در اوایل دهه ۹۰ این الگو را به چالش کشید که نشانگر تغییر مهمی در مفهوم امنیت بین‌المللی مدرن بود. در دو دهه گذشته ارتش‌های خصوصی در قالب پیمانکاران مختلف در سراسر جهان به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مختلف ارائه خدمات داده‌اند. امروزه گستره فعالیت‌های ارتش‌های خصوصی از شرکت مستقیم در مخاصمات تا مشاوره آموزش خدمات امنیتی مسلحانه و تدارکات متغیر است. تجارت قوی خدمات نظامی و امنیتی در حال حاضر در کنار ارتش‌های ملی و نیروهای پلیس سربرآورده است. ظهور ارتش‌های خصوصی چالش‌های مختلفی را در خصوص سودمندی و مشروعیت نیروهای خصوصی را مطرح نموده است. در طول تاریخ همواره در خصوص ارتش‌های خصوصی سه ایراد بیان شده است:

« آنان صرفاً برای کسب پول به این کار اقدام می‌نمایند نه به خاطر یک علت یا یک انگیزه عالی و اخلاقی

« آنان روابط دموکراتیک میان شهروندان و دولت را به چالش می‌کشند

« تحت کنترل کافی دولت‌ها نیستند.

چنین اعتراضات و تلاش‌هایی ارتش‌های خصوصی را برای تثبیت خود به عنوان بازیگران مشروع در مخاصمات مسلحانه تضعیف کرده است. ماهیت و وضعیت ارتش‌های خصوصی امری است که به علت جدید بودن در رویه حقوق بشردوستانه و قواعد آن به چشم نمی‌خورد اما آنچه حائز اهمیت است عملکرد و نوع فعالیت‌های این نیروها است که می‌توان مطابق قواعد موجود به ماهیت آن پی برد. عناصر مختلفی چون محل فعالیت، موضوع قرارداد و وضعیت محل فعالیت در نوع فعالیت و در نتیجه وضعیت حقوقی آنها تاثیر دارد. قواعدی وجود دارند که بر اقدامات و فعالیت‌های ارتش‌های خصوصی به عنوان بازیگران غیردولتی حاکم هستند. از جمله قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، توافق‌نامه‌های مختلف حقوق بشری و هنجارهای خاص حقوق بین‌الملل عرفی که همگی فعالیت‌ها و رفتارهای ارتش‌های خصوصی را پوشش می‌دهند. با این وجود قوانین ملی در این زمینه بسیار نادر هستند و چارچوب خود تنظیمی از لحاظ حقوقی الزام‌آور نمی‌باشد. یک رفتار

متخلفانه از سوی ارتش‌های خصوصی می‌تواند به دولت استخدام‌کننده ارتش و اعضای آن نسبت داده شود.

با توجه تحولات رخ داده در حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه این قواعد نه تنها نسبت به دولت‌ها بلکه نسبت به اشخاص غیردولتی همانند ارتش‌های خصوصی نیز قابل اعمال است. این امر در زمان تاسیس دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا نیز مطرح شد. دولت‌ها اعم از دولت استخدام‌کننده، دولت متبوع و صاحب سرزمین متعهد به رعایت قواعد حقوق بشردوستانه هستند. بنابراین زمانیکه از ارتش‌های خصوصی در مخاصمات مسلحانه استفاده می‌نمایند باید آموزش‌های لازم را به این افراد ارائه نموده و بر فعالیت‌های آنها نظارت داشته باشند. اعضای ارتش‌های خصوصی نیز به عنوان نیروهای نظامی خصوصی از شمول قواعد حقوق بشردوستانه مستثنی نبوده و مطابق ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو در صورت انجام اعمالی که خارج از وظیفه آنها است و منجر به نقض حقوق غیر نظامیان می‌گردد مسئولیت خواهند داشت. قواعد حقوق بشردوستانه قواعدی جهانشمول هستند که دولت‌ها در این خصوص نسبت به کل جامعه بین‌المللی تعهد دارند و بنابراین عدول و نقض این تعهدات در هر صورت مسئولیت بین‌المللی را برای دولت به دنبال دارد. مکانیسم‌های اجرایی که در اختیار قربانیان رفتارهای غیرقانونی ارتش‌های خصوصی قرارداد حمایت قانونی کافی را فراهم نمی‌کند.

در بسیاری از موارد صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی تعدیات ارتش‌های خصوصی را پوشش نمی‌دهد و بر سیستم‌های قضایی ملی در اغلب موارد نمی‌توان اعتماد کرد. در فضایی که ارتش‌های خصوصی فعالیت می‌کنند بعید است که قربانیان بتوانند به یک سیستم قضایی که به آنها اجازه بدهد دعوی خود را مطرح کنند، دسترسی داشته باشند. حضور و به کارگیری ارتش‌های خصوصی امری ممنوع نبوده و هیچ یک از اسناد بین‌المللی بر چنین ممنوعیتی تأکید نکرده‌اند و این نیروهای نظامی به عنوان بازیگران غیردولتی عرصه مخاصمات مسلحانه شناخته می‌شوند. بنابراین آنچه که ضروری است به آن پرداخته شود ایجاد سازوکارهای مناسب برای قانونمند ساختن چنین فعالیت‌هایی است و این امر میسر نخواهد شد جز با همکاری دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی. اگر دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی صحنه بین‌المللی به تعهدات خود پایبند باشند ارتش‌های خصوصی نمی-

تواند قواعد و مقررات بین‌المللی را نقض نمایند. با توجه با اینکه حضور ارتش‌های خصوصی در صحنه مخاصمات امروزه امری پذیرفته شده است ضروری به جای مقابله شتاب زده با این موضوع اقدام به اتخاذ سازوکارها و مکانیسم‌های تنظیم و کنترل‌کننده چنین فعالیت‌هایی نمود. در وهله اول باید کنوانسیون بین‌المللی برای هماهنگی و نظارت بر فعالیت‌های ارتش‌های خصوصی توسط دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی شکل گیرد. بنابراین پرداختن به مسائل ذیل می‌تواند قابل توجه باشد:

- ایجاد یک نهاد نظارتی دائم جهت ثبت و گزارش کلیه فعالیت‌های ارتش‌های خصوصی
- بررسی ادواری مجوزهای ارتش‌های خصوصی و نظارت بر مطابقت فعالیت‌های آنها با قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قواعد حقوق بشری.
- الزام نیروهای نظامی خصوصی به انعقاد قراردادهای لازم جهت پایبندی به قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل.
- ایجاد مکانیسم تعقیب، رسیدگی، محاکمه و مجازات اعضای ارتش‌های خصوصی از طریق فراهم نمودن تشکیل دادگاه‌های ویژه .

منابع

- انصاری، م؛ طاهری، م ع، ۱۳۸۴، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران: انتشارات محراب، جلد ۳، چاپ اول
- ایپسن، ن، ۱۳۸۷، رزمندگان و غیررزمندگان، ترجمه کتابیون حسین نژاد، کتاب حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ اول
- پورقصاب امیری، ع؛ زنجایی، ع؛ ۱۳۹۵، نوع سوم مخاصمات مسلحانه، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، دوره ۱۳، شماره ۳ (۵۱)، زمستان، صص ۲۰-۱.
- دلخوش، ع ، ۱۳۹۰، مقابله با جرایم بین‌المللی تعهد دولت‌ها به همکاری، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ اول
- دهشیری، م؛ ربانی، میلاد؛ ۱۳۹۶، تحول رویکرد گروه ویشاگرا د به امنیت از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، دوره ۱۴، شماره ۳ (۵۵)، زمستان، صص ۱۶۵-۱۳۷.
- دیکسون، م، ۱۳۹۶، درآمدی بر حقوق بین‌الملل، ترجمه: مهدی ذاکریان و حسن سعید کلاهی،

- تهران: انتشارات خرسندی چاپ اول
- زمانی، ق، ۱۳۹۵، واگرایی و همگرایی «مسئولیت کیفری فردی» و «مسئولیت بین‌المللی دولت»: تأملی در اوراق پرونده جنگ شیمیایی عراق علیه ایران، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۹۵، ۲۷-۹
- سلیمی، ص، ۱۳۷۶، پدیده مجرمانه و مسئولیت کیفری در حقوق بین‌الملل و حقوق کیفری، تهران: انتشارات خیام، چاپ اول
- شریفی طراز کوهی، ح؛ آذری، م، ۱۳۹۰، مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال ناقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، فصلنامه علمی-پژوهشی آفاق امنیت، سال چهارم، شماره دوازدهم، پاییز ۱۳۹۰، ص ۶۷-۹۵
- صدیق، م؛ موسوی، س؛ ۱۳۹۵، مسئولیت سازمان ملل متحد برای فعل‌های مغایر با موازین بین‌المللی (بررسی تفصیلی گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل در خصوص جنگ غزه)، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، دوره ۱۲، شماره ۴ (۴۸)، بهار، صص ۱۲۹-۱۱۳.
- صفایی، ح، ۱۳۷۵، حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول
- صلاحی، س، ۱۳۹۴، مسئولیت کیفری مافوق در نقض قواعد و مقررات حقوق بشر و بشردوستانه از سوی مأمورین امریکایی در اشغال عراق، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۳، پاییز زمستان ۱۳۹۴، صفحات ۲۸۶-۲۵۵
- ضیائی بیگدلی، م، ر، ۱۳۹۲، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول
- طهماسبی، ج، ۱۳۹۱، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم
- عبدالحی، م، ۱۳۸۲، چالش‌های مسئولیت کیفری دولت از منظر کمیسیون حقوق بین‌الملل، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳، ۴۷-۸۸
- عبدالحی، م، ۱۳۸۸، تروریسم حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ اول
- فیوضی، ر، ۱۳۷۹، حقوق بین‌الملل مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
- کرافورد، ج، ۱۳۹۵، حقوق مسئولیت بین‌المللی، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، سیامک کریمی، حسن خسروشاهی، پریسا روشنفکر، تهران: انتشارات سنگلج قلم، چاپ اول

- کریر، ر؛ فریمن، ه؛ رایبسون، د؛ ویلمز هرست، ا، ۱۳۹۳، حقوق و رویه کیفری بین‌المللی، ترجمه ارمغان عبیری، زهرا عامری، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول
- کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸، مسئولیت بین‌المللی دولت متن و شرح مواد - کمیسیون حقوق بین‌الملل، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، تهران: انتشارات شهردانش، چاپ اول
- گلدوست جویباری، ر؛ خانلری المشیری، ع، ۱۳۸۸، مصونیت کیفری بین‌المللی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول
- مستقیمی، ب؛ طارم سری، م، ۱۳۷۷، مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
- مسعود، ع؛ ۱۳۹۶، کاربرد ویجیلانت و ویجیلانتیسم در راستای تضمین عدالت در جوامع، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، دوره ۱۴، شماره ۳ (۵۵)، زمستان، صص ۱۳۵-۹۹.
- Crawford, J & Pellet, A & Olleson, S & Parlett, K, 2010, **The Law of International Responsibility**, oxford: university press
- Dickinson, LA, 2007, **Contract as a tool for regulating private military companies**, in from Mercenaries to Market: The Rise and Regulation of Private Military Companies. Edited by Simon Chesterman and Chia Lehnardt. Oxford: Oxford University Press, pp 205-235
- Doswald-Beck, L, 2007, **Private Military Companies Under International Humanitarian Law**”, in from Mercenaries to Market: The Rise and Regulation of Private Military Companies. Edited by Simon Chesterman and Chia Lehnardt. Oxford: Oxford University Press, 115-139.
- **Economist, 2011, Conflict Mediation Privatizing Peace**, Available at:<http://www.economist.com/node/18895458> , Accessed:20/10/2016
- Gillard, E, 2006, **Private Military/Security Companies: The Status of their Staff and their Obligations under International Humanitarian Law and the Responsibilities of States in Relation to their Operations**, Presentation held at

the governmental experts' workshop, 16 January 2006, Küsnacht, Switzerland, 1-11

- Henckaerts, J & Doswald-Beck, L, 2005, **Customary International Humanitarian Law**, Cambridge: Cambridge University Press, Vol. I.

- Herberg-Rothe, A, (2017), Lessons from World War I for the rise of Asia and their Civilizations, **International Studies Journal (ISJ)**, Vol. 14, No.2 (54), Fall, pp.125-133.

- ICRC, 2008, **THE MONTREUX DOCUMENT On Pertinent International Legal Obligations and Good Practices for States Related to Operations of Private Military and Security Companies During Armed Conflict**, Available at: www.icrc.org Accessed:12/05/2017

- **International Military Tribunal (Nuremberg)**,1946, At 447, part 22, Availability at: https://crimeofaggression.info/documents/6/1946_Nuremberg_Judgement.pdf Accessed:12/05/2017

- Kalidhass, P. R. **Determining the Status of Private Military Companies under International Law: A Quest to Solve Accountability Issues in Armed Conflicts (2014)**” Amsterdam Law Forum, VOL 6:2, pp4-19

- Kazi Aoul, S & Revil, É & Sarrasin, B & Campbell, B, 2000, **Towards a Spiral of Violence? “the Dangers of Privatising Risk Management of Investments in Africa” Mining Activities and the Use of Private Security Companies**, Available at:<http://www.ieim.uqam.ca/IMG/pdf/spiralen.pdf> Accessed: 04/07/2017

- Kozhanov, N, 2017, Main Drivers of Russian Military deployment in Syria, **International Studies Journal (ISJ)**, Vol. 13, No. 4 (52), Spring, pp. 21-3٧.

- Macdonald, A, 2005, **“The Legal Status of Military and Security Subcontractors”**, in ARNOLD Roberta & HILDBRAND Pierre-Antoine (eds),

International Humanitarian Law and the 21st Century's Conflicts: Changes and Challenges, Lausanne, Editions Inter-universitaires Suisses, pp. 215-253.

- Melzer, N, 2009, **Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities under International Humanitarian Law**, Geneva: International Committee of the Red Cross pub

- Morgenthau, H ,1987, **Politics among nations: the struggle for power and peace**, New York : Knopf pub

- O'Brien, K, 2007, **What Should and What Should Not Be Regulated??**, in S. Chesterman and C. Lehnardt (eds.), **From Mercenaries to Market: The Rise and Regulation of Private Military Companies** Oxford: Oxford University Press

- Percy, S, 2007, **Regulating the Private Security Industry Mercenaries: The History of a Norm in International Relations**, Oxford: Oxford University Press

- Sheehy, Bt & Maogoto, Ja and Newell, V, 2009, **Legal Control of the Private Military Corporation**, London: Palgrave Macmillan pub

- Singer, P, 2003, **Corporate Warriors: The Rise of the Privatized Military Industry**, Cornell University Press

- Spiegel, P, 2005, **No contractors facing Abu Ghraib abuse charges**, Available at: http://www.ft.com/cms/s/0/610c9e58-0871-11da-97a6-00000e2511c8.html?ft_site=falcon&desktop=true#axz z4skspLhC9 Accessed:15/02/ 2017

- Stenner, L, 2014, **Private Military and Security Companies: Security Actors without Accountability**, KAIPTC Occasional, No. 36,1-23

- Tonkin, H, 2011, **State Control over Private Military and Security Companies in Armed Conflict**, New York: Cambridge University Press
Werle, G & Jeberger, F, 2005, **Principles of International Criminal Law**, Oxford: Oxford University Pressat.